



روایت فعالیت یک گروه ورزشی ۲۵ ساله که در امنیت بوستان پردیس قائم (عج)، خودشان را پیدا کردند

تپیدن نبض صبح با «تلاش»

۵۰۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

کفاش بخارایی از روزگار صنعت چرم برای ما روایت می‌کند

چرخه روزگار دباغی

۶



۳

ساکنان بولوار توس از ترافیک، سد معبر و آلودگی اطراف میوه‌فروشی‌های حاشیه خیابان گله دارند

نفس بسته خیابان

۷

از هبوط تا ظهور؛ طرحی تبیینی که در شب‌های پنجره سنا باد برگزار می‌شود

شب نشینی‌های معرفتی در مسجد الزهرا(س)

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۷۰۱۷۳۰۳ در پیام‌رسان اینستاگرام بفرستید.

شما چه خبر

آموزشی متفاوت برای بانوان محله آبکوه

هفته گذشته، کارگاه آموزشی ساخت لوستر رافیا با هدف توسعه مهارت‌های هنری و ایجاد فرصت‌های کسب و کار خانگی در دفتر تسهیلگری آبکوه برگزار شد. در این دوره شرکت‌کنندگان با مراحل مختلف طراحی و ساخت لوسترهای رافیا، اصول انتخاب مواد اولیه، تکنیک‌های اجرا و شیوه‌های فروش محصولات در فضای مجازی آشنا شدند.



آموزش برای داشتن خانواده‌ای شاد

صفائی هفته گذشته، پنجمین جلسه از سلسله نشست‌های «مشاوره خانواده» با هدف ارتقای روابط خانوادگی و ترویج آرامش در محیط خانه، در مسجد امام محمد تقی (ع) برگزار شد. این برنامه در راستای توجه به سلامت روان و تحکیم بنیان خانواده و با همراهی و همکاری شهرداری منطقه یک اجرا شد و در آن، موضوعات مرتبط با بهبود تعاملات خانوادگی و تقویت فضای آرام و صمیمی در خانه مورد بررسی قرار گرفت.

امانت‌داران کوچک

در گوشه‌ای از مسجد امام سجاد (ع) در محله سجاد، میز کوچکی برپا شده است که روی آن، انواع وسایل ریز و رنگارنگ، از گیره و کش مو گرفته تا لوازم کوچک و ساده، به چشم می‌خورد. آنچه بیشتر از همه جلب توجه می‌کند، حضور کودکانی است که با شوق و مسئولیت‌پذیری هر شب در این محل حاضر می‌شوند تا با فروش کالاهای کوچکی که با پول توجیبی خودشان تهیه کرده‌اند، به مسجد و اجتماعات شبانه این محله کمک کنند.

بازاری برای دست‌ساخته‌های بانوان

هم‌زمان با افتتاح فرهنگ‌سرای کتاب در محله کوی دکتر در ۱۲ خرداد، بازارچه فروش صنایع دستی و محصولات خانگی با هدف حمایت از کارآفرینی و اشتغال‌زایی بانوان برگزار می‌شود. این بازارچه که به صورت ماهانه در این مجموعه برگزار خواهد شد برای معرفی توانمندی‌های بانوان هنرمند و فعال در حوزه مشاغل خانگی است تا محصولات خود را در معرض دید عموم قرار دهند. بانوان می‌توانند جهت حضور در این بازارچه مشخصات خود را به آدرس beheshtian03@ در پیام‌رسان اینستاگرام ارسال کنند.



در بازدید مشترک کارشناسان خدمات شهری منطقه یک و مرکز بهداشت از معابر پرتردد مطرح شد

طعمه‌گذاری موش‌ها جهت پیشگیری

صفائی ادر بازدید مشترک کارشناسان خدمات شهری منطقه یک، مرکز بهداشت شماره ۳ و شهرآرامش از خیابان سجاد، نقاط تردد و نفوذ احتمالی جوندگان مورد پایش قرار گرفت تا با اقدامات پیشگیرانه، از شکل‌گیری کانون جانوران موزی در این محور جلوگیری شود. طعمه‌گذاری پیشگیرانه در گذرگاه‌های فرعی و خروجی کانال‌های منظور مسدودسازی مسیر ورود جانوران موزی به سطح معابر از اقدامات انجام شده در این پایش بود. با تأکید بر نقش کلیدی شهروندان در مدیریت صحیح پسماند و به منظور جلوگیری از رهاسازی پسماندهای غذایی در جوی‌ها که عامل اصلی جذب جوندگان است، به کسبه توصیه‌های آموزشی ارائه شد.



۳۳۰ پروژه عمرانی در بهار

در راستای رسیدگی به درخواست‌های شهروندی، ۳۳۰ پروژه عمرانی خرد توسط امور راهبری مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ طی دو ماه گذشته در منطقه یک اجرا شده است. این اقدامات با هدف رفع مشکلات موردی و ارتقای کیفیت خدمات شهری انجام شده است. در همین راستا طی سه ماه گذشته، ۱۷۰ مورد بهبود و بهسازی مسیل و کانال، ۷۰ مورد بهسازی پیاده‌روها و ۹۰ مورد بهبود و بهسازی تجهیزات ترافیکی به همت امور راهبری ۱۳۷ منطقه و با همکاری اداره فنی و عمران و بنا به درخواست شهروندان انجام شده است. این پروژه‌ها، هرچند کوچک مقیاس هستند، نقش مهمی در رفع مشکلات، افزایش رضایت شهروندان و بهبود رفاه عمومی دارند.

«نقش دست» بانوان کارآفرین

بازارچه «نقش دست» در محله کلاهدوز هفته گذشته در راستای حمایت از کارآفرینی و معرفی ظرفیت‌های ارزشمند افرادی که ثابت کرده‌اند معلولیت محدودیت نیست، برپا شده است. این بازارچه با همراهی بهزیستی مشهد و شورای اجتماعی محله کلاهدوز فعال شد و با عرضه مستقیم محصولات توان‌یابان و بانوان سرپرست خانوار، در مسیر توسعه کسب و کارهای خرد محلی برای معلولان اجرا شد.

شهر خبر



همسایه ها، خودروهایشان را پارک می کنند و چند ساعتی برای خرید می روند. وقتی هم اعتراض می کنیم، می گویند چند دقیقه بیشتر که نیست!

● بوی ماندگار میوه های مانده!

ما چرا فقط به ترافیک و سد معبر ختم نمی شود. ساکنان، از وضع بهداشتی محدوده هم ناراضی اند؛ از میوه های گندیده ای که کنار جدول ها و باغچه ها را می بینیم. طاهره علی نژاد در حالی که به هندوانه های شکسته شده و جعبه های خالی کنار باغچه بولوار اشاره می کند، می گوید: همین میوه های گندیده، علاوه بر بوی بد، باعث جمع شدن حشرات می شود. اگر همین ای ها را هم تحمل کنیم، صدای بلند فروشنده ها و رفت و آمد زیاد خودروها تا نیمه شب واقعا طاقتمان را طاق کرده است.

● نصب تابلوهای راهنما کافی نیست

مسئول امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۲، با تأیید مشکلات این محدوده می گوید: ابتدای بولوار توس، یک پمپ بنزین قرار دارد و بعد هم مغازه های میوه فروشی تا نزدیک توس ۳ ادامه پیدا می کنند. حضور خودروهای حمل میوه و خریداران، ترافیک اینجا را سنگین کرده است و راه را برای سایر ماشین های گذری می بندد. حسین برادران فرد ادامه می دهد: همراه با پلیس راهور و همکاران سد معبر به این محدوده مراجعه کردیم و تابلوهای حمل با جرثقیل و همچنین تابلو توقف ممنوع نصب شده است. وی می افزاید: طی نامه ای، شرایط محدوده را به سازمان ترافیک اعلام کردیم و موضوعات ترافیکی مربوط به ورودی و خروجی توس یک را توضیح دادیم تا راه حلی برای این بخش در نظر گرفته شود و امکان پارک خودرو در آن قسمت محدود شود. اگر طرحی از سوی سازمان ترافیک اعلام شود، آن را در دستور کار اجرایی قرار می دهیم.

● پیاده رو در تملک بازار میوه

از ابتدای توس یک تا نزدیک توس ۳ وجود چند مغازه میوه فروشی باعث مشکلات ترافیکی شده است. نیشان های آبی که بار میوه دارند و جلومغازه های میوه فروشی ایستاده اند و خریدارانی که بدون توجه به عبور و مرور سایر خودروها کنار خیابان دوبل پارک کرده اند، همه جزو مشکلات اینجاست. میوه فروش ها مشغول خالی کردن بار هستند. در این میان، بوق خودروها و صدای ترمز، لحظه ای قطع نمی شود. مریم صبوری که دو سال است در این محدوده سکونت دارد، می گوید: وقتی ما به اینجا آمدیم، این همه ترافیک و سرو صدا نبود. نزدیک یک سال ونیم است که این میوه فروشی ها اینجا شروع به کار کرده اند و ترافیک خیابان، سد معبر و زباله هایی که می ریزند، طاقتمان را طاق کرده است.

او در حالی که به پیاده رو سنگ فرش شده بولوار اشاره می کند، ادامه می دهد: اینجا فضای خوبی برای پیاده روی دارد و شهرداری هم با سنگ فرش کردنش، محیط را تمیز و مرتب کرده بود. اما از وقتی این میوه فروش ها کارشان را شروع کرده اند، جز کثیفی، ترافیک و صدای بوق، چیزی نصیب همسایه ها نشده است.

محمود ثابتی، از کسبه نیش شهید طالبی ۲ (توس یک)، می گوید: حاشیه بولوار توس و خیابان های فرعی توس یک، کنار به کنار ماشین پارک شده است و ساکنان اینجا با مشکلات ترافیکی دست و پنجه نرم می کنند. نیش همین چهارراه، همیشه صدای ترمز بلند شنیده می شود و احتمال تصادف زیاد شده است. زمان جنگ ترافیک دو برابر شده بود؛ چون خودروهای زیادی در صاف بنزین منتظر می ماندند. ترافیک بعد از چهارراه خیام شروع می شد و تا نزدیک سه راهی کوی امیرالمؤمنین (ع) ادامه داشت.

او از رفتار برخی خریداران از این مغازه های حاشیه خیابان هم گلایه دارد و می گوید: خیلی از شهروندانی که برای خرید میوه و تره بار به اینجا می آیند، بدون توجه به علائم راهنمایی و محل پارک

ساکنان بولوار توس از ترافیک، سد معبر و آلودگی اطراف میوه فروشی های حاشیه خیابان گل دارند

نفس بسته خیابان

صدرا «هندوانه شیرین... سبزی نیشابور... میوه به قیمت بازار روز...» این کلمه ها برای رهگذران ابتدای بولوار توس آشناست؛ صداهایی که هر روز از حاشیه خیابان بلند می شود و خیلی زود در همه بوق خودروها، ترمزهای ناگهانی و رفت و آمد گم می شود. درست بعد از گذشتن از پمپ بنزین در ابتدای بولوار توس، شاهد شکل گیری گره ترافیکی هستیم؛ خودروهایی که دوبل پارک شده اند، نیشان های آبی پر از بار میوه که کنار مغازه های نیش خیابان توس ۱ تا ۳ ایستاده اند و مشتریانی که، بی توجه به عبور و مرور دیگران، خودروهایشان را هر جا که بشود، نگه می دارند.

آنچه برای خریداران بازار، طبیعی به نظر می آید، برای ساکنان این محدوده به ماجرای فرساینده از شلوغی، بی نظمی و آلودگی بدل شده است. طی تماس های تلفنی ساکنان این محدوده با مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷، سری به این بازار زدیم تا مشکلاتشان را به گوش مسئولان برسانیم.



هم قدم

۲

ساخت و ساز غیرمجاز و درخواست آسفالت در صدر مشکلات

صدرا دوم خرداد، طبق روال هر ماه، مسئولان شهرداری منطقه ۲ در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ حاضر شدند تا پاسخگوی سؤالات ساکنان منطقه باشند. امین تفضلی، معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه، با حضور در این مرکز به ۱۹ تماس پاسخ داد که از این تعداد ۸ تماس مربوط به حوزه فنی و عمران و ۲ تماس متفرقه شامل فروش محصولات خانگی در بوستان پردیس و ترمیم دیوار مدرسه در هدایت ۲ بود.



۱۳۷

۲

حوزه فنی و عمرانی

در این حوزه ۷ تماس مردمی ثبت شد. مهم ترین درخواست ها شامل روکش آسفالت خیابان های طرحی ۲۳ تا ۳۳، ولیعصر (عج)، شقایق در کوی امیرالمؤمنین (ع) و مسیر چهارراه گاز تا عبادی ۵۶ بود. بررسی نشست زمین در توس یک و طالبی ۱۰، پیاده سازی چراغچی ۱۳، نصب سرعت گیر در عبدالمطلب ۵۸ و اصلاح شیب درودی ۸ تا ۱۰ از دیگر مطالبات شهروندان بود.

حوزه ترافیک و حمل و نقل

در این حوزه ۳ تماس مردمی ثبت شد. شهروندان خواستار نصب سرعت گیر در میدان معراج و نبی پور ۹ شدند. همچنین حل معضل ترافیکی ابتدای بولوار توس، از دیگر درخواست ها بود.

حوزه شهرسازی و نظارت بر ساخت و ساز

در این حوزه ۶ تماس مردمی ثبت شد. گزارش هایی از ساخت و ساز غیرمجاز در چهارراه خواجه ربیع، جانباز ۷، اینارگران ۱۸/۲ و حدفاصل شقایق ۴ و ۶ دریافت شد. تأخیر در رسیدگی به پرونده شهرسازی خیابان کاشانی نیز از دیگر موارد مطرح شده بود.

حوزه خدمات شهری

یکی از ساکنان محله فرامرعباسی، خواستار پاک سازی جوی های آب خیابان های فرامرعباسی ۴ تا ۶ شد که به دلیل شیب نامناسب، آب در این محدوده راکد می ماند.

شهرآرامحله پیگیری می کند

شهرآرامحله درخواست های شهروندان درباره روکش آسفالت خیابان های طرحی ۲۳ تا ۳۳ را پیگیری می کند.

روایت فعالیت یک گروه ورزشی ۲۵ ساله که در امنیت بوستان پردیس قائم (عج)، خودشان را پیدا کردند

تپیدن نبض صبح با «تلاش»



میترا صدرا اوایل صبح نیمه خرداد سراغشان می‌رویم وقتی که هنوز خیلی از مردم شهر خواب هستند. اما اینجا در بوستان پردیس قائم (عج) شاهد نمایشی از اراده افرادی هستیم که سحرخیزند. از همان ورودی بوستان در پردیس قائم (عج) در محله حجت نوای ریتمیک «یک، دو، سه...» را می‌توان شنید: صدایی که نه از بلندگوهای دیجیتال، بلکه از نفس‌هایی می‌آید که سال‌هاست با هوای پاک صبحگاهی عجین شده‌اند.

کمی که جلوتر می‌رویم، چشم‌انداز، تماشایی است. انبوهی از ورزشکاران با لباس‌های فیروزه‌ای، گویی دریایی از آرامش را در دل بوستان جاری کرده‌اند. در یک سوی سکوی تمرین، آقایان در کنار مربیان ایستاده‌اند و در سوی دیگر، بانوان با نظمی مثال‌زدنی، حرکات نرمشی را تکرار می‌کنند. این‌ها اعضای «گروه ورزشی و فرهنگی تلاش» هستند: مجموعه‌ای که از ۲۵ سال پیش، بذر اولیه‌اش با حدود بیست نفر کاشته شد و حالا، با گذشت پنج سال از اخذ مجوز رسمی از «هیئت ورزش‌های همگانی»، به درختی تنومند با چهارصد عضو بدل شده است.



داستان جلد



مدیریت یک رؤیای جمعی



تاریخچه‌ای که در خاک بوستان ریشه دارد



را پیدا نکرده بود. کاظم تازه روح، سرهنگ بازنشسته ارتش که اکنون ۸۵ سال دارد، یکی از آن کسانی است که تاریخ اینجارا با قدم‌هایش نوشته است. او از اولین نفراتی است که از سال ۱۳۷۸، همراه با دو نفر از دوستانش، از محله بهارن به این نقطه می‌آمدند و ورزش می‌کردند. کنار او می‌ایستیم و همان‌طور که حرکات نرمشی را انجام می‌دهد، درباره شکل‌گیری گروه از او می‌پرسم. بالحنی که یادآور خاطراتش است، می‌گوید: آن زمان هنوز بوستان به این شکل نبود؛ فضایی بود با چند درخت و چسبیده به زمین‌های آستان قدس رضوی. تازه از اوایل سال ۱۳۸۰ شروع به ساخت و ساز کردند. با این حال، ما می‌آمدیم و دور همین زمین‌های دویدم. به مرور تعداد ما به پانزده نفر رسید.

کاظم آقا برخلاف بسیاری از ورزشکاران نسل جدید که جمعه‌ها را تعطیل می‌کنند، همیشه اینجا حضور دارد. او ورزش را غذای جسم می‌داند و می‌گوید: مگر می‌شود جمعه‌ها غذا نخورد؟ ورزش هم مثل غذاست. ورزش، جسم را از پژمردگی و خمودی درمی‌آورد. من همیشه با شادابی و انرژی خوب به خانه برمی‌گردم. حتی روز اول سال نو اینجا هستم.

محل قرارشان سکویی است که مربیان روی آن حرکات را آموزش می‌دهند. سکونزدیک پردیس بانوان است. فعالیتشان را با گرم کردن بدن و انجام چند حرکت کششی و دوییدن در جاشروع می‌کنند. کم‌کم به تعداد نفرات اضافه می‌شود. امروز روز لباس‌های رنگ فیروزه‌ای است. تعدادشان که به نزدیک پنجاه نفر می‌رسد، شروع به قدم زدن دور پارک می‌کنند تا بقیه هم از راه برسند. ساعت ۶ صبح به محل سکوی می‌آیند و بقیه هم از راه می‌رسند. یکی گرم‌کن فیروزه‌ای دارد و دیگری کلاه. شال یادآور گردنی به این رنگ.

چهار رنگ را برای فعالیت‌های ورزشی‌شان انتخاب کرده‌اند و با اعلام مربی، لباس رنگ آن روز را به تن می‌کنند. آبی، قرمز، سفید و زرد. این‌ها را معصومه دلیری می‌گوید که امروز کلاه آبی کم‌حالش را به سر گذاشته و برای ورزش صبحگاهی خودش را به گروه رسانده است. برای اطلاع از پیشینه گروه «تلاش»، باید به عقب بازگشت. به زمانی که این بوستان، هنوز فضای سبز امروز



علی اصغر بیگی، مسئول پنجاه و هفت ساله گروه تلاش، کسی است که این چرخ‌دنده‌های بزرگ را با هم هماهنگ می‌کند. کنار سکوی مربیان ایستاده است و با دقت به ورزشکاران چشم دوخته تا کسی حرکت را اشتباه انجام ندهد و با صدای بلند از آن‌ها می‌خواهد که به نحوه انجام حرکات مربی دقت کنند.

آقای علی اصغر همراه همسرش از محله بهارن به اینجا می‌آید. او در توصیف گستره فعالیت گروه می‌گوید: بیشتر اعضای ما از محلات اطراف هستند؛ از کوی امیرالمؤمنین (ع)، حجت، خین عرب، بهاران و حتی محلات دورتر مثل شهید مطهری یادانش آموز. او که فعالیت رسمی گروه را از سال ۱۴۰۰ و با اخذ مجوزها به شکل جدی‌تری پیگیری کرده است، به فعالیت‌های دیگر این گروه اشاره می‌کند: فعالیت‌هایی که فقط به دمیل و کشش ختم نمی‌شود؛ «ما اینجا فعالیت‌های فرهنگی هم داریم. در ایام شهادت به زیارت حرم مطهر رضوی می‌رویم و عیاد و جشن‌ها را با همکاری شهرداری همین جادار پارک برگزار می‌کنیم؛ حتی مداح دعوت می‌کنیم و با همکاری هم تیمی‌ها از خودشان پذیرایی می‌کنیم.»



آقای علی اصغر بهترین نتیجه این گروه را حضور سال‌مندان تنها بین هم تیمی‌ها می‌داند و می‌گوید: بسیاری از سالمندانی که تنها به بوستان می‌آمدند تا شاید حال و هوایشان عوض شود، حالا بخشی از تیم هستند. هم‌دلی اعضا باعث شده است کسانی که گوشه‌گیر بودند، حالا جزوی از این گروه چهارصد نفره باشند که امروز نیمی از آن‌ها را اینجا می‌بینید.



ایجاد نظم در گروه

نیم ساعت از نرمش گذشته و حالا وقت تلاش بیشتر برای ساختن بدنی سالم تر است. آقا ابراهیم چند دقیقه ای به گوشه زمین تمرین می آید و در باره شکل گیری هیئت مدیره

می گوید: از همان سال های اول هیئت مدیره را تشکیل دادیم، اما از پنج سال پیش با اخذ مجوزهای لازم از هیئت ورزش های همگانی، مدیریت گروه را ساختارمند کردیم. اعضای جدید یک ماه به صورت آزمایشی هر روز به اینجایم آیند و در صورتی که هیئت مدیره تأیید کنند، می توانند عضو گروه شوند و در سایر فعالیت های ما نیز حضور داشته باشند.

از دیگر دستاوردهای این گروه در این سال های توان به تربیت بیش از بیست مربی اشاره کرد. آقا ابراهیم مربیان آقا و خانم رادر گروه نشان می دهد و می گوید: در این سال ها افراد جوان تری را که به مربیگری علاقه داشتند، به هیئت معرفی کردیم و خیلی از آن ها مدارکشان را گرفتند و بقیه هم در حال اتمام دوره هایشان هستند. آن ها حین تمرین حواسشان به اعضا هست تا حرکتی را اشتباه انجام ندهند. چند وقتی است که بعضی از این مربیان در سایر بوستان های سطح شهر در حال آموزش هستند. این یعنی تلاش، یک جریان تکثیر شونده است. آقا ابراهیم قدر دان زحمات مسئولان شهرداری منطقه ۲ به ویژه در بخش فضای سبز، عمران و حراست، هم هست و می گوید: در این سال ها چالشی نداشتیم و امنیتمان فراهم شده است. مسئولان منطقه همکاری بی نظیری با ما داشتند.



آموزش مربی و تکثیر تلاش

پشت صحنه این گروه، مردانی هستند که تجربه را با دانش روز پیوند زده اند. محمد زحمتکش چهل ساله، یکی از مربیان پراثری تیم است که بیست سال سابقه ورزشی دارد. روی سکوا ایستاده است و با جملات انگیزشی، اعضا را ترغیب می کند که در شمارش حرکات همراهی اش کنند. همان طور که همگی اعداد را پشت سر هم و بعد از انجام حرکات تکرار می کنند، می گوید: پنج سال است که با گروه تلاش همراه شده ام. این گروه ورزشی، یک خانواده بزرگ است و همه در آن سعی می کنند به بهتر شدن هم کمک کنند.

انجام حرکات کششی و اصلاحی برای این مربی با تجربه جایگاه ویژه ای دارد. او می گوید: بیشتر اعضای ما در رده سنی ۴۵ سال به بالا قرار دارند و انجام حرکات اصلاحی و کششی به بهبود وضعیت جسمانی آن ها کمک ویژه ای می کند. اصلاح ستون فقرات، گردش خون و تنفس های درست به سلامت آن ها کمک و جریان خون را منظم می کند. این حرکات برای همه گروه های سنی مفید است و می تواند بسیاری از دردهای عضلانی را بهبود بخشد. هدف غایی ما، تلاش برای سلامتی اعضا در نهایت جامعه است. در کنار او، ابراهیم خلیلی کاخکی هفتاد و یک ساله، عضو هیئت مدیره گروه، ایستاده است. او جزو اولین نفراتی است که در این گروه حضور داشته. بین آقایان دور می زند و حرکاتشان را اصلاح می کند. مربی چند لحظه ای سرعت حرکات را کم می کند تا اعضا نفسی تازه کنند و آب بنوشند. همان چند دقیقه کوتاه، زمان خوبی است تا آقا ابراهیم صحبت کنیم. او ۵۵ سال سابقه ورزش دارد. از کودکی با دو و میدانی کارش را آغاز کرده و از سال ۱۳۸۰ به جمع بنیان گذاران گروه پیوسته است. در پایان هر تمرین، وقتی اعضا با انگیزه و نشاط یکدیگر را تشویق می کنند، لبخند به لب هایش می آید و می گوید: خوشحالم که تلاش هایمان در این سال ها به ثمر نشست و توانستیم در این مدت حدود چهار صد نفر را عضو این گروه کنیم تا سلامتی و نشاط را که ارمان ورزش است، به خودشان و خانواده هایشان هدیه کنند. یاد ما است سال های اول که ما همراه سرهنگ و دیگر عزیزان کنار هم شروع به ورزش کردیم. افرادی که از کنار ما رد می شدند و حال و هوای ما را می دیدند، تشویق می شدند به ما پیوندند. حالا از آن دوران بیش از بیست سال می گذرد و گروه تلاش، بزرگ تر از تصورات اولیه ما شده است.

نسل های قدیم و جدید کنار هم

فائزه سادات نوازی، سی و پنج ساله، یکی از مربیان خوش ذوق تیم است. داستان او برای پیوستن به این گروه شنیدنی است: شش سال پیش پدرم عمل داشت و پزشک تاکید کرد باید پیاده روی کند.

اتفاقی با پدر به اینجا آمدیم و گروه را مشغول تمرین دیدیم. همان جا جذب شدیم. به پیشنهاد آقای بیگی، سراغ دوره های مربیگری رفتم و حالا خودم مربی بانوان هستم.

فائزه بارد کردن این جمله کلیشه ای که «ورزش انرژی را می گیرد»، می گوید: خیلی ها فکر می کنند بعد از ورزش باید استراحت کنند. اما برعکس است: نشاط بعد از ورزش به من کمک می کند کارهای خانه و زندگی ام را بهتر انجام دهم و ورزش روتین و نظم خوبی به زندگی ام داده است.

در کنار او، دختر نه ساله اش، السارامی بینیم، السا که همراه مادرش به اینجایم آید. نماینده این گروه است. او می گوید: مادرم از نونهالی من رابه اینجایم آورد. اینجا با دوستان هم سن و سال خودم بازی می کنم و حسابی خوش می گذرد.

سلامتی و شادابی با ورزش

شاید هیچ چیز به اندازه داستان «شهناز قادری» و «عبدا... چناری»، قدرت شفا بخش این جمع را نشان ندهد. شهناز قادری، هفتاد ساله، از شهرک حجت (ع) می آید. او تعریف می کند: اوایل صندلی ام را نزدیک در بوستان می گذاشتم و فقط تماشا می کردم. اما دو سال است که باتیم ورزش می کنم. چند سال پیش، قلبم را عمل کردم و وضعیت خوبی نداشتم. افسرده و خانه نشین بودم. دوست داشتم دائم بخوابم. اما دخترم که چند سالی است به اینجایم آید. از دو سال پیش، هر روز صبح رأس ساعت ۵ صبح دنبالم می آید تا به گروه پیوندم. از وقتی تمرینات نرمشی را شروع کردم، سر حال ترم و وقتی برمی گردم، به کارهای خانه می رسم. قرص هایم را کنار گذاشته ام.

عبدا... چناری، هفتاد و سه ساله، باز نشسته علوم پزشکی، شانزده ساله است به این بوستان می آید. او قبلاً از پیوستن به گروه، تنهایی ورزش می کرد. اما حالا خودش مربی است. می گوید: از سال ۶۲ هر روز پیاده روی می کنم. چربی خونم را از ۸۰ به ۱۵۰ رسانده ام. حتی بیماری آسم را با ورزش درمان کرده ام و دیگر مشکلی ندارم.

آقا عبدا... سال گذشته، از دربست افتاد و لگنش شکست؛ ولی حال خوب امروز را مدیون همان ورزش می داند و می گوید: به خاطر همین ورزش و بدنی که از قبل آماده بود، به خوبی بهبود پیدا کردم. به همه می گویم سلامتی را از ورزش بخواهید، نه از دارو و وقت دکتر. شادابی واقعی فقط در ورزش است.

تمرینات تمام شده است و حرکات سرد کردن بدن را هم انجام داده اند. تشویق های آخر نشان دهنده حال خوبشان بعد از یک ساعت تمرین است. همراهشان می شویم تا کنار سکوی نمایش بوستان از آن ها عکس یادگاری دسته جمعی بگیریم.

نعمت داشتن بوستان ایمن

زهرا یگانه، شصت و پنج ساله، از ورزشکاران قدیمی بوستان است که از شهرک حجت می آید. همه او را، امامان یگانه، صدا می کنند؛ چون جزو اولین مربیان بانوان اینجاست. همان طور که نرمش می کند، خانم های اطرافش را تشویق می کند که خسته نشوند و حرکات را ادامه دهند. او بیش از بیست سال است که هر روز صبح اینجا حضور دارد و می گوید: آن موقع که گروه تلاش مثل امروز پا نگرفته بود، آقایان کنار هم ورزش می کردند و من هم با خانم ها پنج سال پیش پیشنهاد دادیم که ما هم به این جمع اضافه شویم و با همکاری مربیان، تیم گسترش یافت. حالا تعداد بانوان حتی از آقایان بیشتر است.

زهرا خانم معتقد است خانم ها ستون زندگی هستند. ورزش به شادابی آن ها کمک می کند و این حال خوب را به خانه می برند. او که برای هم تیمی هایش نقش یک مشاور سلامت را هم ایفا می کند، می گوید: همیشه خانم ها را تشویق می کنم که هر چند ماه یک بار آزمایش بدهند. وقتی قند و چربی شان را می بینند که با ورزش تغییر کرده، می فهمند حال خوبشان را مدیون همین سحر خیزی هستند.

او همچنین از امنیت فضای سربسز بوستان پردیس قائم (ع) می گوید و توضیح می دهد: توجه شهرداری منطقه باعث شده امکانات مناسبی در این بوستان ارائه شود. حضور نگهبانان و حراست پارک امنیت را افزایش داده و بانوان با خیال راحت برای ورزش یا دورهمی عصرانه به اینجایم آیند. وجود این بوستان در این محدوده، نعمت بزرگی است و ما حال خوبمان را از اینجاداریم.



کفاش بخارایی از روزگار صنعت چرم برای ما روایت می کند

چرخه روزگار دباغی



راه تجربه



آهک دهی در دباغی دستی

آنچه امروز در کارخانه ها با مخزن های بزرگ، مواد شیمیایی دقیق و دستگاه های کنترل شده انجام می شود، در دباغ خانه های قدیم با حوض و دست و تجربه پیش می رفت. سید مهدی کفاش بخارایی در توضیح آماده سازی پوست ها، از مرحله آهک دهی شروع می کند که بسیاری از کارگران دباغ خانه با آن سروکار داشتند.

به گفته او ابتدا به پوست آهک می زدند و آن را داخل حوض های سنگی می خوابانند. این کار کمک می کرد موهای روی پوست سست شود و مواد اضافی و بافت های زائد جدا شوند. این مرحله هم زمان می خواست و هم مراقبت. دباغی سنتی بیش از هر چیز به زمان شناسی و مهارت استادکار وابسته بود. اینکه پوست چقدر بماند، چه وقت برگردانده شود و چه زمان از حوض بیرون بیاید. پس از آهک دهی، نوبت به یکی از دشوارترین کارهای دباغی دستی می رسید: تراشیدن. کفاش بخارایی می گوید پوست را با ابزار شیشه شمشیری تراشیدند؛ استادکار پوست را روی سطحی مخصوص می گذاشت و با دقت تراش می داد تا باقی مانده موها، چربی ها و لایه های اضافی جدا و پوست برای ادامه مراحل آماده شود. او به خاطر می آورد که بعضی کارگرها از صبح تا غروب، ده جلد پوست را با همین روش آماده می کردند.

حمیده صفائی ادر روزگاری که هنوز خبری از چرم های صنعتی و مصنوعی و کارخانه های بزرگ نبود، بوی پوست و دباغی تازه را می شد در بعضی کوچه پس کوچه های مشهد دنبال کرد؛ جایی که تولید چرم نه فقط در کارخانه ها، که در کارگاه های کوچک و به دست مردم اتفاق می افتاد. سید مهدی کفاش بخارایی، متولد ۱۳۳۰، که این روزها کارهای هنری چرمی متفاوتی را به نمایش می گذارد. از آن روزگار خاطرات بسیاری دارد؛ روزهایی که پدرش یکی از چرم فروشان شناخته شده مشهد بود و در وقت و آمد مشتریان و اهل این حرفه، بخشی از زندگی روزمره خانواده به شمار می آمد.

بازار چرم؛ مدرسه ای که از کودکی شروع می شد

سید مهدی کفاش بخارایی، ساکن محله سجاد، از نسل آدم هایی است که کارانه در کلاس و دوره، که در تماشای دست های پدر و شنیدن حرف های مشتری ها یاد گرفته است. او در دوران نوجوانی و جوانی اغلب کنار پدرش بود. برای همین طی رفت و آمد مداوم خریداران چرم و کفاش ها با کیفیت پوست، نرمی چرم، رنگ دباغی آشنا شده بود. آقا سید مهدی می گوید: مشهد در آن سال ها، بیشتر به دباغی سنتی و تولید پوست های سبک شناخته می شد؛ اما برای تأمین بخش مهمی از چرم مورد نیاز بازار، به چرم تهران و تبریز هم وابسته بود؛ شهرهایی که در آن زمان هم به تولید و هم به تجارت گسترده تر در حوزه کار چرم شهرت داشتند.

از کفاشی پدر بزرگ تا چرم فروشی پدر

پیوند خانواده کفاش بخارایی با چرم، فقط در فروش خلاصه نمی شود. پدر بزرگ سید مهدی سال ها کفاش بود؛ از همان کفاش هایی که بوی چسب و چرم و واکس، نشان کارگاهشان بود. پدر بزرگ از همین راه زندگی را می چرخاند؛ اما بعدها تصمیم گرفت تولید را کنار بگذارد و به چرم فروشی روی بیاورد. تصمیمی که مسیر خانواده را از کارگاه دوخت و دو ز کفاش، به دنیای خرید و فروش چرم و شناخت این بازار تغییر داد و در همین مسیر ماند و پدرش هم در ادامه همین مسیر، راه پدر بزرگش را ادامه داد. کفاش بخارایی وقتی از چرم آن سال ها حرف می زند، اول سراغ پوست های رایج می رود. به گفته او، چرم های گوسفندی و بزنی بیشترین سهم را در بازار داشتند. دلیلش هم روشن بود؛ این پوست ها در دسترس تر بودند و دباغی شان با امکانات سنتی راحت تر از پوست های ضخیم تر انجام می شد. او تأکید می کند: آن زمان خبری از چرم های مصنوعی به شکل امروزی نبود؛ نه این همه تنوع و ورق های صنعتی وجود داشت، نه این حجم از کالاهایی که ظاهرشان شبیه چرم است اما جنس دیگری دارند. با این حال فقط یک محصول بین مردم با چرم مصنوعی شناخته شده بود؛ کفش هایی به نام گالش که برای بسیاری از مردم یک انتخاب اقتصادی و کاربردی بود و در ذهن بازار آن دوره، چیزی شبیه جایگزین چرم طبیعی به حساب می آمد.

از مواد طبیعی تا شیمیایی؛ تغییر آرام

سید مهدی کفاش بخارایی معتقد است صنعت چرم در سال های اخیر دگرگون شده. اگر در گذشته، بخش مهمی از فرایند با مواد طبیعی و گیاهی پیش می رفت و تجربه استادکار تعیین کننده بود. امروز مواد شیمیایی و روش های صنعتی، نقش پررنگ تری دارند. او توضیح می دهد که بعد از جدا شدن موها، حفره های باقی مانده در پوست با مواد مخصوص پرمی شود و بعد برای افزایش نرمی و دوام، روغن کاری انجام می گیرد. این تغییر فقط در مواد نیست؛ ابزارها هم عوض شده اند. بسیاری از کارهای سنگین دستی، جای خود را به دستگاه هایی داده اند که هم سرعت را افزایش می دهد و هم بهداشت را بهتر می کنند. دباغ خانه های قدیم، پر از آب، بخار، بو و تماس مستقیم دست با مواد بود.

از بازار کیف و کفش تا تجارت چرم

سید مهدی پس از پایان خدمت سربازی در سال ۱۳۵۳ وارد بازار کار شد. ابتدا محدود و یک سال در حوزه فروش کیف و کفش فعالیت کرد؛ تجربه ای که به او کمک کرد سلیقه مشتری را بهتر بشناسد و بفهمد چرم در نهایت چگونه به کالا تبدیل می شود. اما در نهایت، راه خانواده را ادامه داد و به تجارت چرم روی آورد؛ بازاری که از کودکی در آن نفس کشیده بود و بزانش را بلد بود. او می گوید دنیای چرم مثل هر بازار دیگری فرازونشیب دارد. یک روز جنس خوب کم می شود، یک روز قیمت ها بالا می رود. یک روز مُد تغییر می کند. اما چیزی که در تمام این سال ها ثابت مانده، ارزش چرم طبیعی است؛ چرمی که اگر خوب دباغی شده باشد، هم دوام دارد و هم گذشت زمان به آن شخصیت می دهد.

چرم طبیعی ارزشمند است

کفاش بخارایی امروز هم خاطره آن روزهای شلوغ بازار چرم مشهد را با خود دارد و هم تجربه روزگار جدید را. وقتی از تفاوت دیروز و امروز حرف می زند، از تغییر شیوه های تولید می گوید: چرم طبیعی هنوز جایگاه خودش را حفظ کرده؛ نه فقط به خاطر دوام، بلکه به خاطر حس و کیفی که جایگزین کامل ندارد. او ادامه می دهد: روزگاری مردم از چرم بز، گوسفند و گاو استفاده می کردند. اما حالا با پوست همه حیوانات وسیله می سازند و همین تنوع پوست باعث تنوع کالا و چرم شده است. او حالا علاوه بر تجربه بازار، کارهای هنری چرمی متفاوتی را در مغازه اش به نمایش می گذارد که برخی از آن ها هنر دست خودش است.



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرام

از هبوط تا ظهور؛ طرحی تبیینی که در شب‌های پنجره سنا باد برگزار می‌شود

شب نشینی‌های معرفتی در مسجد الزهرا(س)



عیدگاه

ملیحه حکمت پورا ادامه می‌دهد: حدود ۱۰ سال است در این حوزه فعالیت می‌کنیم. یکی از بازخوردهای جالب این است که بسیاری از افراد تحصیل کرده می‌پرسند چرا چنین محتوای پژوهشی در دانشگاه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

وی با اشاره به تأکید رهبر معظم انقلاب بر حضور مؤثر در اجتماعات مردمی می‌گوید: تلاش ما این است که آموزش‌های تبیینی را متناسب با مسائل روز جامعه به میان مردم بیاوریم. در حال حاضر موضوعاتی مانند مقاومت، استقلال، آزادی، غدیر، جایگاه زن در نظام اسلامی و مقایسه آن با نگاه غرب را برای مخاطبان تشریح می‌کنیم.

● تبیین مسائل روز برای جوانان ضروری است

محمد اسماعیل خرسندی، از ساکنان قدیمی محله که بیش از هفتاد سال سن دارد، درباره این جلسات می‌گوید: بخش زیادی از این مطالب برای نسل ما آشناست، اما توضیح و تبیین آن برای جوانان ضروری است. حتی برای من و هم‌سن‌وسالانم برخی نکات روشن‌تر شد. اینکه در کنار برنامه‌های مردمی و اجتماعی، فرصتی برای آموزش و آگاهی بخشی فراهم شده، اقدام ارزشمندی است.

غزل همدانی، نوجوان ساکن کوی دکترا، نیز معتقد است این برنامه نگاه تازه‌ای به تاریخ تمدن اسلامی ارائه می‌دهد. او می‌گوید: در این جلسات با موضوع شکل‌گیری تمدن انسانی و هجرت پیامبران آشنا شدیم. به نظرم این مباحث می‌تواند به شناخت بهتر ریشه‌های تمدن اسلامی و راه‌های حفظ آن کمک کند.

کلاس‌ها شرکت کنند. ابتدا اثبات نام می‌شوند و بعد در گروه‌های بیست نفره آموزش می‌بینند. هر گروه به ترتیب وارد بخش‌های مختلف می‌شود و سه پرده آموزشی را پشت سر می‌گذارد و در پایان نیز به شرکت‌کنندگان هدایایی اهدا می‌شود.

● حضور مؤثر در اجتماعات مردمی

مسئول کانون «سوده همدانی» نیز با اشاره به محتوای آموزشی این طرح می‌گوید: موضوع اصلی، بررسی بعثت در تاریخ انبیا و اهل بیت (ع) است. در واقع تلاش می‌کنیم محتوایی معادل چند واحد درسی دانشگاهی را در زمانی کوتاه و به زبانی قابل فهم به مخاطب منتقل کنیم تا در یاد هیچ بخش از تاریخ به صورت منفرد و جداگانه شکل نگرفته است و همه رخدادها در یک مسیر هدفمند و تکاملی قرار دارند.



حمیده صفائی این روزها مسجد الزهرا(س) سنا باد تنها محل برگزاری اجتماعات شبانه نیست؛ بلکه به فضایی برای گفت‌وگو، آموزش و تبیین مفاهیم تاریخی و اجتماعی تبدیل شده است. جایی که روایت «از هبوط تا ظهور» با پیوندی میان گذشته، حال و آینده برای مخاطبان بازگو می‌شود. استقبال گسترده مردم از این برنامه باعث شده است هر دو طبقه مسجد مملو از جمعیت باشد. شرکت‌کنندگان در گروه‌های مختلف پای سخنان مدرسان می‌نشینند و در قالب جلسات آموزشی، سیر تاریخی بشر از هبوط حضرت آدم (ع) تا ظهور حضرت مهدی (عج) را با نگاهی متناسب با شرایط روز جامعه مرور می‌کنند.

● شناخت مسئولیت، در شرایط روز جامعه

فرمانده پایگاه بسیج خواهران شهیدان اعتمادی درباره این برنامه می‌گوید: در این طرح، تاریخ بشر در سه پرده بررسی می‌شود؛ از هبوط حضرت آدم (ع) تا بعثت پیامبر اسلام (ص)، از بعثت تا دوران غیبت و در نهایت از غیبت تا ظهور. هدف این است که مخاطب در پایان به شناخت مسئولیت خود در شرایط روز جامعه برسد. سیده فرزانه عابدین با اشاره به هم‌زمانی این برنامه با دهه ولایت و عید غدیر می‌افزاید: در این دوره‌های آموزشی، جایگاه ویژه غدیر و نقش آن در عصر حاضر نیز بررسی می‌شود. وی درباره شیوه اجرای برنامه توضیح می‌دهد: افراد بالای پانزده سال می‌توانند در این

مهدی علیپور، نوجوان کشتی‌گیر محله حجت، بین کار فنی و ورزش، مسیر رسیدن به المپیک را می‌سازد

سیم‌کشی رؤیاهاروی تشک‌کشتی



● کشتی چه تغییری در زندگی‌ات ایجاد کرده است؟

از نظر جسمانی همیشه در آمادگی کامل هستم، اما مهم‌تر از آن، اعتماد به نفسی است که پیدا کرده‌ام. کشتی به من یاد داد چطور در شرایط سخت، خودم را کنترل کنم.

● آیا تا به حال دچار مصدومیت هم شده‌ای؟

بله، شش ماه پیش کتفم در تمرین شکست. سه ماه خانگی نشین شدم و نتوانستم درست تمرین کنم. کشتی ورزش پرآسبیبی است، اما این صدمات بخشی از مسیر قهرمانی است. با این حال، هرگز اجازه ندادم این آسیب‌ها مانع بازگشتم به تشک شود.

● مهم‌ترین مقام‌هایی که کسب کردی، چیست؟

علاوه بر قهرمانی‌های باشگاهی و استانی، سال گذشته در مسابقات بین‌المللی «جام عبدا... موحدا» در مازندران شرکت کردم. چهار مسابقه داشتم؛ حریف اصفهانی را بردم. از حریف تاجیکستانی شکست خوردم، حریف افغانستانی را مغلوب کردم و در نهایت در مسابقه آخر برابر حریف مشهدی شکست خوردم و پنجم شدم. این مسابقات تجربه بسیار ارزشمندی بود. همچنین در مسابقات قهرمانی استان که سال گذشته در طرقله برگزار شد، مقام دوم را کسب کردم.

● چگونه هزینه‌های کشتی و تحصیل را تأمین می‌کنی؟

کشتی ورزش گرانی است. برای همین هم‌زمان با تحصیل، کار می‌کنم. سیم‌کشی ماشین انجام می‌دهم و در کارهای فنی مهارت دارم. با این کار، هم هزینه‌های ورزشم تأمین می‌شود و هم یک حرفه آینده دار یاد می‌گیرم.

● چرا بین این همه رشته، کشتی را انتخاب کردی؟

ورزش کشتی کل بدن و فکر را به چالش می‌کشد. همین سختی باعث می‌شود خیلی‌ها از آن فرار کنند، اما برای من، اینکه بتوانم با تمام قوا مبارزه کنم، جذاب‌ترین بخش ماجراست.

● از چه زمانی به صورت جدی این ورزش را شروع کردی؟

یک سال قبل از کرونا در سالن ورزشی شهرداری تاکسی رانی ثبت نام کردم، اما با شیوع بیماری، وقفه‌ای طولانی در تمریناتم افتاد. بالاخره از سال ۱۴۰۰ دوباره با قدرت به تشک برگشتم.

صدرا ورزش‌های زیادی را تجربه کرده، اما هیچ‌کدام برایش «کشتی» نمی‌شود؛ رشته‌ای که به باور او، دنیای رویارویی مردانه و میدان بزرگ پهلوانی است. مهدی علیپور، نوجوان شانزده ساله محله حجت، نه فقط روی تشک کشتی، بلکه در پیچ و خم زندگی واقعی هم خوب مبارزه می‌کند. او دانش آموز کلاس یازدهم رشته کشاورزی است و ورزش‌هایش را میان فعالیت‌های درسی، سیم‌کشی خودرودر کارگاه و فنون کشتی تقسیم کرده است. در این گفت‌وگو، پای صحبت‌های این نوجوان بانگیزه نشسته ایم تا ببینیم چگونه میان آچار و تشک، راه خودش را به سوی قهرمانی باز می‌کند.

● چه شد که کشتی را انتخاب کردی؟

پدرم همیشه به این ورزش علاقه داشت. هرچند خودش کشتی‌گیر نبود، اما من و برادرهایم را برای تماشای مسابقات به بولوار توس می‌برد. تماشای آن همه شور و هیجان برایم جذاب بود؛ البته بلافاصله سراغ این رشته نرفتم.

● اولین تجربه‌های ورزشی‌ات چه بود؟

ابتدا سراغ کاراته رفتم، بعد شنا را امتحان کردم، حتی بوکس و ورزش‌های تویی مثل فوتبال و بسکتبال را هم تجربه کردم، اما هیچ‌کدام مثل کشتی برام چالش‌برانگیز نبود.

زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین (ع)، هدایت، اینارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمزقند، آیت... عبادی، شهید فرامرزی عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه قند، عبدالمطلب، شفا، شهید مطهری، عامل، حسین یاشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب‌الزمان (عج)، سعدآباد، شهید کلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر



● ماهمچنان پای عهد خود ایستاده ایم و ضمن حضور در اجتماعات شبانه و اقامه نماز استغاثه در محله شهید هنرور، شاهد جوشش غیرت و بصیرت اهالی هستیم. این حرکت مردم محله نشان دهنده پیوند ناگسستنی شان با ولایت و انتظار فعال برای ظهور است.
تصویر و متن از حجت الاسلام والمسلمین جواد کریمانی، امام جماعت مسجد امام حسین (ع)، محله هنرور



● غرفه عروسک سازی مسجد سناباد در اجتماعات شبانه فرصتی فراهم کرده تا دختران نوجوان و جوان محله در فضایی دوستانه و پر نشاط فعالیت هنری داشته باشند. درآمد حاصل از فروش این عروسک‌ها نیز صرف اجرای برنامه‌های مسجد می‌شود و همین موضوع مشارکت و مسئولیت‌پذیری را در بچه‌ها تقویت کرده است.
تصویر و متن از سیده زهرا موسوی، ساکن محله صاحب‌الزمان (عج)



محله به روایت شما

● ما بانوان منطقه یک در کنار دیگر شهروندان مناطق، یک روز خوب در بوستان غدیر را تجربه کردیم. این جشنواره با حضور شرکت‌کنندگانی از همه مناطق، برای ما مفید و لذت بخش بود و موجب بازیابی روحیه و شادی مان شد.
تصویر و متن از سیما جفایی، شهروند محله احمدآباد



● برنامه «اتاق فرار مظنون» در فرهنگ سرای حجاب برگزار شد. هدف از طراحی برنامه این بود که مفاهیم عفاف و حجاب را از مسیر تجربه و مشارکت به دختران منتقل کنیم. در پایان هم هر گروه برداشت شخصی‌اش از موضوع ظلم تاریخی استعمار غرب به زن رانوست و از آثار برتر پس از داوری قدردانی شد.
تصویر و متن از فائزه چشمه سنگی، مدیر فرهنگ سرای حجاب، محله هدایت



● سه شنبه هفته گذشته روزی متفاوت برای ما بود و بعد از مدت‌ها توانستیم در کنار خانواده و همسایه‌ها، لحظات شاد و پرهیجانی را در کوه پیمایی هفت حوض تجربه کنیم. از شهرداری منطقه ۲ به خاطر تدارک این برنامه‌های مهیج صمیمانه تشکر می‌کنم و امیدوارم این‌گونه برنامه‌ها که باعث ارتباط بیشتر مردم می‌شود، با قوت ادامه یابد و تکرار شود.
تصویر و متن از حسین خدادادی، عضو شورای اجتماعی محله عبدالمطلب